

ان قلت : طبق فرمایش امام، لفظ خورشید - مثلاً - برای مفهوم «کره درخشان» وضع شده است. اما این مفهوم چون کلی است (چون همه مفاهیم کلی هستند) برای کلی منحصر در فرد وضع شده است.

حال : اگر لفظ «زهره» برای «ستاره ای که قبل از غروب آفتاب طلوع می کند» وضع شد و «ناهید» برای «ستاره ای که بعد از طلوع آفتاب طلوع می کند» وضع گردید، این دو نام برای دو کلی منحصر به فرد که با هم مختلف هستند، وضع شده است. اما اگر بعدها معلوم شد این یک ستاره است که قبل از غروب و بعد از طلوع آفتاب، طلوع می کند، چگونه می گوئید این دو کلی منحصر به فرد، یکی هستند.

این در حالی است که اگر ما لفظ «زهره» و «ناهید» را برای «مصدق موجود در خارج» وضع کرده بودیم، می توانستیم بگوییم این دو نام برای یک شیء وضع شده اند. چراکه مصداق یکی است. اما وقتی برای دو مفهوم، وضع کرده ایم، مفهوم ها یکی نمی شوند.^۱

قلت (در دفاع از امام) :

اولاً : ما نمی گوئیم لفظ زهره برای مفهوم «ستاره مغرب» وضع شده است. بلکه می گوئیم لفظ زهره برای مفهومی که از این ستاره درک می کنیم - که صفتش مغربی بودن است - وضع کرده ایم.

به عبارت دیگر چنانکه در مفهوم «زید» گفتیم، لفظ زید برای مفهوم «انسان متخصص به خصوصیات خارجی = سفید، ۳۰ ساله، پسر عمرو ...» - که مفهومی مرکب است - وضع نشده است. بلکه برای مفهوم بسیط «زید» وضع شده است (اگرچه آن صفات را دارد)، همین طور مفهومی که از ستاره غروب داریم مرکب نیست (ستاره + غروب) بلکه بسیط است (آن ستاره) اگرچه آن صفات را دارد.

حال این مفهوم بسیط، چون کلی منحصر در فرد است، پس از آنکه فهمیدیم مصداقش با مفهوم بسیط دیگر یکی است، درباره آن، حکم به «تساوی و ترادف» می کنیم.

و إن شئت قلت: پس از اینکه فهمیدیم این مفهوم با مفهوم دیگر وحدت مصداقی دارند، حکم به ترادف آنها می کنیم در حالیکه تا پیش از آن حکم به تباین آنها می کردیم. و این علم جدید، حکم سابق ما درباره تباین این دو را تخطئه می کند. کما اینکه شما نیز باید خود را در اینکه فکر می کردید زهره مصداق خارجی ای غیر از مصداق خارجی ناهید دارد، تخطئه کنید.

ثانیاً : (سلمنا که مفهوم موضوع له، مرکب باشد) لفظ زهره برای مفهوم «ستاره مغرب» لا بشرط از صفات دیگر وضع شده است و لذا اگر این ستاره صفات دیگری پیدا کرد، ضرری به این تسمیه نمی زند (چراکه بشرط لا از صفات دیگر نیست)

پس اگر لفظ «زهره» برای ستاره مغرب وضع شده است و اگر لفظ ناهید برای ستاره صبح وضع شده است، همانطور که می توانیم بگوییم «ستاره صبح خوشکل است»، «ستاره صبح، سفید است» می توانیم بگوییم «ستاره صبح در مغرب طلوع می کند».

^۱ برگرفته از برخی متون کلام جدید



کلام محقق رشتی در وضع اعلام شخصی :

مرحوم رشتی نکته ای را مورد توجه قرار می دهند که در تکمیل فرمایش امام لازم است به آن اشاره نماییم.

«و مثاله المعروف وضع الأعلام الشخصية لأنها موضوعة لما يمتنع صدقه على متعدّد إذ المراد بالتعدّد هو التعدّد الفردي دون التعدّد الأحوالي فزيد مثلا موضوع لمعنى لا يقبل التعدّد الفردي و هي الذات المتشخصّة الخارجية و إن كان قابلا للتعدّد من حيث الأحوال مثل الصّحة و المرض و نحوهما من الأحوال المتخالفة و من هنا ظهر فساد ما توهم من كون وضع الأعلام أيضا عامّا كوضع الكلّيات نظرا إلى كون الموضوع له فيها أمرا عامّا جامعا لتلك الأحوال وجه الفساد أن المراد بالعموم و الخصوص في المقام ليس ما يعمّ العموم و الخصوص الأحواليين بل خصوص العموم و الخصوص الأفراديين»^۱

توضیح :

۱. اعلام شخصیه دارای «وضع خاص ؛ موضوع له خاص» می باشند.
۲. مراد از خاص (ما یمتنع صدقه علی کثیرین)، آن مفهومی است که دارای تعدد افرادی نباشد و لذا اگر مفهومی، تعدد و کثرت احوالی داشت، باز هم وضع آن، خاص است.
۳. زید، کثرت افرادی ندارد ولی حالات متعدد دارد.
۴. لذا آنها که گفته اند «زید» هم وضع و موضوع له عام دارد، اشتباه کرده اند چراکه پنداشته اند «زید» معنایی است که شامل احوالات متعددی می شود.

ما می گوئیم :

کلام مرحوم رشتی، کلام کاملی است.



۱. بدایع الافکار ؛ محقق رشتی ؛ ج ۱ ص ۲۵ الی ۲۶